

زیباشناسی نثر فنی

تحلیل زیباشناختی تاریخ جهانگشای جوینی

احمد عبدالزاده فرد

دیپاچه:

دکتر میر جلال الدین کزازی



۱۳۹۶

زیباشناسی تشریفی
تحلیل زیباشناختی تاریخ جهانگشای جوینی
احمد عبدالزاده فرد

امور هنری و صفحه‌آرایی: کارگاه نشر نظامی

مشخصات ظاهری: ۳۳۸ ص.، وزیری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۶۱۴-۲-۲

ناشر: انتشارات حکیم نظامی گنج‌ای

امور چاپ: مشکین، تهران

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰

انتشارات حکیم نظامی گنج‌ای

تبریز، اول خیابان طالقانی، ساختمان نورافرا، طبقه ۳

درس الکترونیکی: Nezami.Pub@gmail.com

همراه: ۰۹۱۴۸۶۰۶۹۶۶

حق چاپ برای نویسنده و ناشر محفوظ می‌باشد

تماس با نویسنده: ۰۹۱۴۳۰۶۶۴۸۹، aabdolzadeh@Ymail.co

سرشناسه: عبدالزاده فرد، احمد، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور: زیباشناسی تشریفی: تحلیل زیباشناختی تاریخ جهانگشای جوینی / احمد عبدالزاده فرد؛ دیباچه
میرجلال‌الدین کزازی. / عنوان دیگر: تحلیل زیباشناسی تاریخ جهانگشای جوینی. / عنوان قراردادی: تاریخ جهانگشای. شرح
مشخصات نشر: تبریز: انتشارات حکیم نظامی گنج‌ای، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۳۳۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۶۱۴-۲-۲: ۳۰۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: جوینی، عطاءالملک بن محمد، ۶۲۳ - ۶۸۱ ق. -- نقد و تفسیر

موضوع: Criticism and interpretation -- Ayni, Ala al-Din Ata Malik

موضوع: جوینی، عطاءالملک بن محمد، ۶۲۳ - ۶۸۱ ق. تاریخ جهانگشا -- نقد و تفسیر

موضوع: نشر فارسی -- قرن ۷ ق. -- تاریخ و نقد

موضوع: 13th century -- History and criticism -- Persian prose literature

موضوع: زیبایی‌شناسی در ادبیات، موضوع: Aesthetics in literature، موضوع: فارسی -- صنایع ادبی

موضوع: Persian language -- Figures of speech، موضوع: ایران -- تاریخ -- مغول و ایلخانان، ۶۱۶ - ۷۵۶ ق.

موضوع: Iran -- History -- Mongols and Khanids، ۱۲۱۹ - ۱۳۵۵

موضوع: ایران -- تاریخ -- خوارزمشاهیان، ۴۷۰ - ۶۲۸ ق

موضوع: Iran -- History -- Kharazmshahids، ۱۰۷۷ - ۱۲۳۱

موضوع: ایران -- تاریخ -- اسماعیلیان، ۴۸۳ - ۶۵۴ ق، موضوع: Iran -- History -- Ismailites، ۱۰۹۰ - ۱۲۵۶

شناسه افزوده: کزازی، میرجلال‌الدین، ۱۳۲۷

شناسه افزوده: جوینی، عطاءالملک بن محمد، ۶۲۳ - ۶۸۱ ق. تاریخ جهانگشا. شرح

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۲۰۴۲۲۷ ۹۵۲/ج DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۲۷۱۱۷

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	هياهوی خاموش (ديباچه ی استاد کزازی)
۱۱	پيشگفتار

مقدمه: کلیات

۱۷	زندگانی عظاملك جوينی
۲۰	نحوه وفات عظاملك جوينی
۲۲	عنایت شعرا و علما به خاندان جوينی
۲۴	تالیفات عظاملك جوينی
۲۴	تاریخ جهانگمی جوينی
۳۰	اهمیت و جایگاه تاریخ جهانگشی جوينی
۳۱	کیفیت ترتیب تاریخ جهانانشاء جوينی
۳۲	شیوهی بیان و سبك جهانگشای جوينی
۳۷	پاره ای از ویژگی های سبکی اثر جهانگشای جوينی
۴۹	نگاهی به تطور نثر فارسی و مختصات نثر فنی
۵۱	ویژگی های نثر فنی
۵۵	بدیع و تاریخچه آن
۶۱	دلایل شکل گیری علم بدیع در میان مسلمانان
۶۲	بدیع نویسی به زبان فارسی
۶۷	نقش بدیع در ایجاد سخن ادبی
۶۹	فایده علم بدیع

فصل اول: شرح و تحلیل صناعات لفظی در جهانگشای جوينی

۷۲	صناعات ادبی
۷۳	صنایع لفظی یا بدیع لفظی
۷۳	اشتقاق یا اقتضاب
۷۷	ترصیع

۸۰	تضمین مزدوج
۹۱	تکرار یا تکریر
۹۸	توزیع
۱۰۳	جناس و جایگاه آن در سخن ادبی
۱۰۸	انواع جناس
۱۰۸	جناس تام
۱۰۹	جناس مبدل یا متماثل
۱۱۴	جناس مستوف
۱۱۵	جناس خط
۱۱۸	جناس زاید
۱۲۲	جناس لاحق
۱۲۶	جناس لفظ یا لفظی
۱۲۷	جناس متوج
۱۲۸	جناس مذیل
۱۳۰	جناس مرکب
۱۳۱	جناس مضارع
۱۳۵	جناس مطرّف
۱۳۶	جناس مکرّر یا مزدوج
۱۳۷	جناس ناقص
۱۴۱	سجع
۱۴۹	سجع متوازی
۱۵۱	سجع مطرّف
۱۵۳	سجع متوازن
۱۵۴	شبه اشتقاق
۱۵۶	قلب

طرد و عکس	۱۵۹
موازنه یا مماثلہ	۱۶۲

فصل دوم: شرح وتحلیل صناعات معنوی در جهانگشای جوینی

صنایع معنوی	۱۶۶
ابداع	۱۶۶
ارسال مثل	۱۶۹
امثال حکم عربی	۱۷۲
امثال و حکم فارسی	۱۸۹
اعداد یا سیاق الاعمال	۱۹۸
اقتباس	۲۰۵
ایهام	۲۱۵
ایهام تناسب	۲۱۸
ایهام تضاد	۲۲۰
براعت استهلال	۲۲۱
تضاد	۲۲۴
تضمین	۲۲۸
تعجب	۲۳۲
تلمیح	۲۳۳
تنسيق الصفات یا حُسن نسق	۲۶۲
حُسن تعلیل	۲۶۸
حشو	۲۷۰
دَم شیه به مدح	۲۷۱
لفّ و نشر	۲۷۲
لفّ و نشر مرتب	۲۷۲
لفّ و نشر نامرتب یا مشوش	۲۷۳

صفحه	عنوان
۲۷۴	مبالغه و اغراق
۲۷۹	مذهب کلامی
۲۸۰	مراعات نظیر
۲۹۲	مقابله

فصل سوم: فهرست‌ها

۲۹۶	اعلام
۳۰۸	اشعار
۳۱۹	آیات
۳۲۳	امثال و حکم
۳۳۱	منابع و مأخذ

هیاهوی خاموش

اگر با نگاهی فراگیر و فراخ به نوشتار (= ادب منشور) در پهنای سخن پارسی بنگریم و سرگذشت و سرنوشت آن را باریک و بدرنگ بکاویم و بررسییم، می‌توانیم سرانجام بر آن بود که نوشته‌ی (= نثر) بر ساخته و نگارین و برگزاف هنوروزانه به زیان این سخن ساخته و ستوار، شگرین و شیوا، دلنواز و جان‌افراز، شرانگیز و شررخیز، رنگین و آه‌خین، خُنی‌گرای و خرمی‌افزای بوده است و آن را به بیراهه درانداخته است و بدور از مکره و شکوفایی و شکوه و شگفتی هنری و زیباشناختی، در دام پژمردگی و پژمانی و فساد سردگی افکنده است؛ دامی گجسته و نافرخته که از سخن زنده‌ی تپنده‌ی شکوفند، گرافه‌ی بی‌گرانبار و دلازار ساخته است یا حتا یافه‌هایی خام و ناکام و بی‌سرانجام. در فرجام، این بیماری و ناتجاری زبانی و این گرافه‌کاری گسسته‌لگام، نوشته‌ها و متن‌هایی را آلوده است؛ افسرده و فرومرده، سخت و سرد، ستوه‌آور و گرانی‌گستر، درهم و دُرم، تلخ و تیز و زوش، بیگانه با جان و جنب و جوش، به گونه‌ای ناسازوارانه (= پارادکسیکال) از بهر همت و هنگامه‌ی بسیار خاموش و خفته و بی‌خروش که نه خواننده از آن بار و بهر و کم‌رنگی می‌تواند ستاند نه سخن‌نیوش. نه هوش از آن بهره‌مند و برخوردار می‌تواند اند نه گوش. نوشته‌ای که مگر تالابی از واژگانِ رمان از یکدیگر نمی‌تواند بود؛ واژگانی ناهمگون و ناهمگون که بی‌هیچ ساختار و سامانی سرشتین، بی‌بهره از هر پیمان و پیوندی نهادین و بنیادین، از هر سوی: از لُها سا و لُهاور گر آورده شده‌اند و به شیوه‌ای بی‌شگون و ناهمایون و به گونه‌ای گسسته و بدور، به ستم و زور، با هم پیوند گرفته‌اند: پیوندی بترفند و نادلپسند؛ تالابی لایه در لایه و ماز در ماز و بند در بند که اگر شوربختی پریشیده کار، از ناسازی روزگار در آن بیفتد، بی‌هیچ راه و پناه و گریزگاه، تا گردن در آن

فروخواهد رفت و اگر بخت یارش نباشد و یاریگری در کنار و مددگار که تیز و تفت و بی درنگ و گسست، به رهائیش بشتابد و او را دست بگیرد و از این تالاب توانکاه و تاب شکن و روانفرسای بدر آورد، هرگز از آن نخواهد رست.

نوشته‌های برساخته‌ی هنرورزانه رشته‌هایی بی‌تار و پودند و کشته‌هایی بی‌بار و برکه نه نویسنده را در آنها، سودا می‌تواند بود و سود نه خواننده را. بی‌تار و پودی رشته‌ها و بی‌بار و بری و بیهودگی و بی‌سودی کشته‌ها، در این نوشته‌ها، از آنجاست که نگارنده بیرونی و برافزون نمایان آنها و برساختگی‌شان که به ناچار، رنگ باختگی‌شان را در بی‌آورد، به یکبارگی و به گونه‌ای گوهرین، بازیابی و دلارایی، با شگرینی و شیوایی بیان لایسی و بافسونِ فسانه رنگِ آن ناسازگار است و در ستیز و آویزی آشکار.

زبان پارسی، در سرشت و ساختار، به ویژه در آن هنگام که راه به قلمرو جادوانه‌ی سرود و سرواد (= شعر) می‌برد، با دیگرگونی نوشتار در آن به سرودار (= ادب منظوم)، نیک سامانمند و خنیاورانه آهنگیز می‌گردد، دلارا و زیباست؛ فریبا و هوشرباست. از همین روست که این زبان، زبانِ برترین، زبانِ گرامی و گزیده و گوهرین در سخنوری است و بزرگ‌ترین سخنوران، در این زبان، برترین شاهکارهای ادبی جهان را در رزنامه و رازنامه و پندنامه، در چامه و چالان، در سروده‌های رامشی و در دیگر گونه‌ها و کالبدهای سخن آفریده‌اند.

زبان ناب و نژاده و سرشتین پارسی به دلارایی می‌ماند و به نازنینی نازآگین، بدان خوبان خوب که بی‌هیچ آرایه و زیور: زیورهای رخشنده از گوهرورز، بی‌هیچ آراستگی برساخته و برونی و بَرک، تنها با زیبایی خدادادی و مادرزادی خویش، هوشربای و جان‌افسای و شهر آشوب، شورانگیز و هنگامه‌خیز و فروشکننده‌ی پروا و پرهیز، راه می‌سپرد و می‌گذرد و در هر گام، دامی تنگ می‌گسترده و دل از هر آن کس که در رهگذار می‌بیندش، می‌برد.

این دلارام خجسته خرام که سراپای کامه است و کام می تواند بود که به پاسِ زیبایی، به زشتی و دلآزاری دچار آید و فروغ و فرّاسویی او سر در نشیبِ تیرگی بنهد. بینگاریم که او سرانجام زمانی از ناز بکاهد و تن به پیوند و پیوکانی (= عروسی) در دهد و دلشده‌ای رمیده هوش و شمیده خوی را که سودازدهی زیبایی و فریایی اوست و از پای درافتاده‌ی آرزومندی و نیاز، به شوهری بپسندد و بخواهد. پس، برپایه‌ی آیین و ترددِ (= سنت) پیوکانی، او را به نزد آرایشگری چربدست و استاد و تک در کار دشوار بزک، گسیل می‌دارند و به دست وی می‌سپارند تا نیک بیاریدش و بس زیباتر از آنچه هست، بنمایدش. خوی و خیم و راه و روش آرایندگان و بزکگران آن است که عیس را، به گونه‌ای بر گزاف و چشمگیر و آشکار، بیاریند و یار را به هر پایه زیبایی کم مانند باشد و شگرف و ورجاوند، به نگار دیگرگون سازند. چنان می‌تواند افتاد و رنگ می‌تواند داد که آن خرم بهشت، آن بت بهار و کُنِشت، در پی آرایش و بزک و نگار آفرینی بند گسل و بر گزاف که به ناچار، در آراستن عروس، به مرز شکنی و هنجار یابی می‌انجامد، دُزریخت بشود و دوزخ آیین و پُلَشت و زشت. آن زیباروی مشکین موی دلجو که همچون پری به آرایشگاه رفته بوده است، از رنگ و نیرنگ آرایشگر، به کرد و پند و دلداز، از آن بدر آید.

زبان سرشتین پارسی، در این نگاره و انگاره‌ی بنادار، آن دلداز برخوردار از زیبایی ساده‌ی خداداده است و نویسندگان متن‌های بر ساحت و هنرورانه و نگارین، آن آرایشگران بزکور که به آهنگ زیبایی، زشتی می‌آفریند را در گونه‌ای از دگردیسی وارونه کارانه و ناسازوارانه، به رنگ و ریو، از پری دیو. با این همه، اگر در متن‌های هنرورانه، نگارینگی پندارینگی را آنچنان زیان نرساند که یکباره‌اش از میدان براند و بر ساختگی برافزون و نا همایون به رنگ باختگی یا گاه به برانداختگی زیبایی و شیوایی نینجامد و شیوایی و شگربینی، نوشینی و دلنشینی گوهرین و برین در زبان پارسی، زمان و توان آن را بیابد که نمود و نشانش در متن باشد، متن یکسره سرد

و سترون و تار و تیره نخواهد بود؛ شوری می‌تواند انگیخت و در دامان جانی می‌تواند آویخت و تلخی شرننگ را به شیرینی نوش درمی‌تواند آمیخت.

جهانگشای جوینی را متنی از این گونه می‌توان دانست. در این متن، گهگاه در هنگامه و هیاهوی آراستگی و نگارینگی، زیبایی نهادین و بنیادین زبان پارسی سری برمی‌تواند آورد و رویی برمی‌تواند گشود و دلی از سرمستان زیباپرست درمی‌تواند ربود.

بر این پایه تلاش پژوهنده‌ی گرامی، آقای احمد عبدالزاده فرد، تلاشی ارزنده می‌تواند باشد. او در کتاب «زیباشناسی نثر فنی» که هم اکنون پیش‌روی خواننده‌ی سخن‌سنج نهاده شده است، جهانگشای جوینی را زیباشناسانه، واکاویده است و کوشیده است که شگردهای هنررزانه را، در این متن تاریخی، بجوید و سامان بدهد و در دسترس استادان و دانشجویان پژوهندگانی بنهد که به متن‌های برساخته و نگارین گرایانند. از درگاه دوست، برای این پژوهنده‌ی پرتلاش، کامکاری روزافزون و بخت بشگون آرزومندم.

دکتر میرحاجان الدین کزازی

مهرماه ۱۳۹۱